

دین‌داری‌های ناموزون و عزاداری‌های نامشروع



محسن کدیور

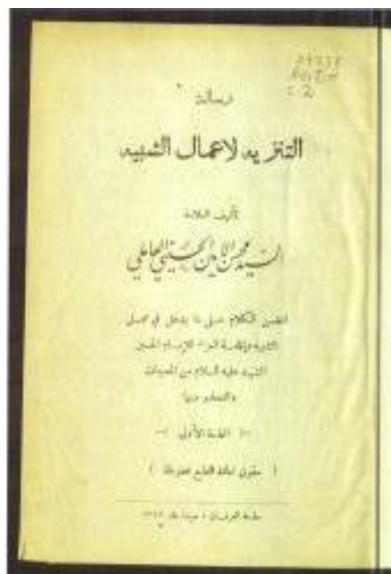
۹ شهریور ۱۳۹۹

السلام عليك يا ابا عبدالله، السلام على الحسين الذي «بذلوا مَهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة» (۱) سلام بر حسین که خون قلبش را در راه تو نثار کرد تا بندگانت را از ناآگاهی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.

بحثم را از آنجا شروع می‌کنم که سال گذشته در بحث مشابهی به پایان بردم: «امام حسین در میان ائمه اهل بیت استثنا بود نه قاعده. اکثریت عالمان شیعه در عمل مثی حسینی را دنبال نکرده‌اند و در جهت گیری‌های علمی نیز مبارزه و شهادت حسین گونه را توصیه ننموده‌اند. شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر بهترین شاهد این مدعاست. درباره اهمیت فاجعه قتل مظلومانه سیدالشهداء و اهل بیت و اصحابش در کربلا در تشیع سنتی و تشیع انقلابی مبالغه شده است. مجالس ماتم حسینی در رویکرد سنتی مجلس کسب ثواب و تکوین هویت شیعی، و در رویکرد مبارزاتی مجلس تجهیز دینداران برای انقلاب علیه طاغوت بوده و در هر دو رویکرد هم توفیق نسبی داشته است. اما بنا بر ارزیابی رویکرد تاریخی انتقادی، این مجالس و مراسم در ازدیاد معارف اسلامی و رسوخ فضایل مذهبی در میان شیعیان موفق نبوده است، چرا که اولاً متمرکز در جزئیات مقتل بوده و اطلاع از معارف ضروری قرآنی، نبوی و موازین تعالیم ائمه وجهه نظر این مجالس نبوده، ثانیاً شیعیان در تحقق فضایی که امام حسین به خاطر احیای آنها جانش را فدا کرد متأسفانه از دیگر مسلمانان یا غیرمسلمانان جلوتر نیستند.» (۲)

موضع من موضعی دوگانه است از یک سو مدافعانه از اسلام شیعی، و از سوی دیگر منتقدانه به برخی اعمالی که به نام دین و مذهب صورت گرفته و می‌گیرد و باعث وهن تشیع شده است. حادثه کربلا اوج حماسه آزادی، عزت، فضیلت، ایثار و بصیرت حسین بن علی و همراهانش، و نهایت حضيض پلشتی، رذالت، قساوت، سبیت، کوردلی، دنیاپرستی و جهالت یزید بن معاویه و پیروانش است. بزرگداشت یاد و نام حسین بزرگداشت فضایل انسانی، ارزشهای اخلاقی و موازین اسلامی است. عزاداری و سوگواری سالانه سالار شهیدان نیز به چنین قصدی می‌تواند امری پسندیده باشد. اما این بزرگداشتها و مراسم اگر از حد و اندازه لازم خارج شود، و به جای طریقت موضوعیت پیدا کند، نتیجه معکوس می‌بخشد.

بحث من دقیقا در انتقاد از این انحراف و تحریف اساسی است یعنی دینداری‌های ناموزون و عزاداری‌های نامشروع. این بحث شامل هفت قسمت به شرح زیر است: پیشینه بحث، استحاله امر مستحب به فریضه عملی هویتی، روایات و مقتل‌های ضعیف، استحاله طریقت به موضوعیت عزاداری، دستگاه امام حسین؛ افراط در ماتم، و پاسخ به پرسشهای بحث.



یک. پیشینه بحث

من نخستین منتقد این مسئله نیستم. یکی از پیش‌کسوتان اصلاح مجالس حسینی مرحوم سید محسن امین جبل عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ق/۱۸۶۷-۱۹۵۲م) صاحب کتاب مهم «اعیان الشیعة» است. وی سه کتاب درباره امام حسین دارد: «المجالس السنیه فی مناقب ومصائب العتره النبویه» (مجالس عالی در بزرگداشت و مصیبت عترت پیامبر)، «لواعج الاشجان فی مقتل الحسین (ع)» (ناله‌های سوزناک در مقتل امام حسین)، و «اقناع اللائم علی اقامة المآتم» (قانع کردن سرزنش‌کننده بر اقامه ماتم‌ها). علاوه بر آن کتابچه‌ای دارد بنام «رسالة التنزیه لاعمال الشیبه» (۱۳۴۵ق) در روی جلد آن، رساله اینگونه معرفی شده است: «مباحثی درباره محرمات تعزیه و عزاداری امام حسین و برحذر داشتن از آنها». کتابچه اخیر توسط جلال آل احمد (۱۳۰۲-۱۳۴۸) در آذر ۱۳۲۲ با عنوان «عزاداری‌های نامشروع» ترجمه و منتشر شده است. (۳)



امین رساله‌اش را با بحث از نهی از منکر و حرمت بدعت و ترویج آن آغاز کرده و ضمن دفاع از اقامه شعائر حزن و ماتم در عزای حسینی بحث را در بدعتها و منکرات و موهناتی که اجماع مسلمانان بر تحریم

اکثر آنهاست و برخی از آنها از منکرات و گناهان کبیره است متمرکز کرده است. این امور نامشروع که به

عنوان عزاداری انجام می‌شود از زبان وی چنین است:

۱- نقل کردن امور دروغ و بی پایه به عنوان حدیث و مقتل در منابر حسینی. به نظر وی این‌ها کذب به

خدا، پیامبر و ائمه است و بالاتفاق از کبائر است.

۲- نوحه خوانی با غنا برای محزون کردن مجلس عزا. فعل حرامی که برخی از کبائر شمرده‌اند.

۳- ایذاء نفس و وارد کردن ضرر بر بدن از قبیل به سر زدن و مجروح کردن آن با قمه و زنجیر زنی بر پشت.

عقل و نقل قائل به حرمت این امور است.

۴- استعمال آلات لهو مانند طبل و سنج و شیپور که جز در جنگ مجاز شمرده نشده است.

۵- تشبه مردان به زنان در تعزیه (بازی کردن مردان در نقش زنان).

۶- نشانیدن زنان با روی باز بر هودج و تشبیه به دختران اهل بیت.

۷- صیحه زدن زنان در جایی که مردان نامحرم حضور دارند.

۸- فریاد و نعره زدن با صداهای منکر و قبیح.

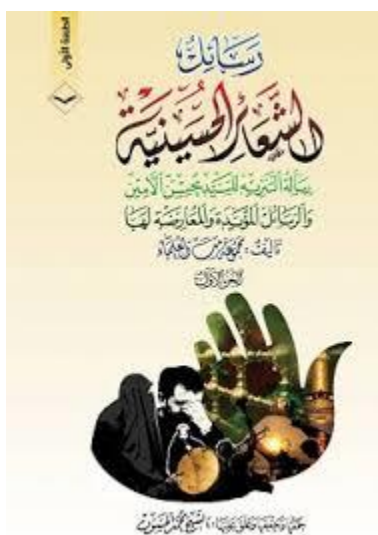
۹- هرچه موجب هتک و زشتی مذهب می‌شود و در شرایط مختلف زمانی مکانی فرق می‌کند.

به نظر امین جبل عاملی وارد کردن این امور در شعائر حسینی از تسویلات شیطان و منکراتی که باعث

غضب خدا و رسول و امام حسین می‌شود. سیدالشهدا برای احیای دین جدش شهید شد. چگونه به ارتکاب

چنین منکراتی راضی است؟ با برخی احادیث بی پایه چهره مذهب را به جهالت، جنون، خردپریشی، دوری از

محاسن شرعی و استحلال محرمات شرعی و عقلی ملوث کرده‌اند. این چه عکسهای زشتی است که از این مراسم در جراید منتشر می‌شود؟! به فرموده امام صادق (ع) کونوا لنا زینا ولا تکونوا علینا شینا. (برای ما مایه زینت باشید نه مایه ننگ. کجا ائمه جواز ارتکاب چنین اموری را داده‌اند؟ کدام مجوز شرعی برای چنین روایات مجعولی است؟ وی برخی از این اخبار سوزناک جعلی را نقد می‌کند و نتیجه می‌گیرد: دین اسلام دین عقل است. مسلمان واقعی یعنی عاقل کامل. بنابراین هر کاری که مخالف عقل باشد بدون شک حرام و اگر از ائمه درباره آن تحریمی نشده باشد به پیروی عقل مجبوریم که از آن دوری بجوئیم.

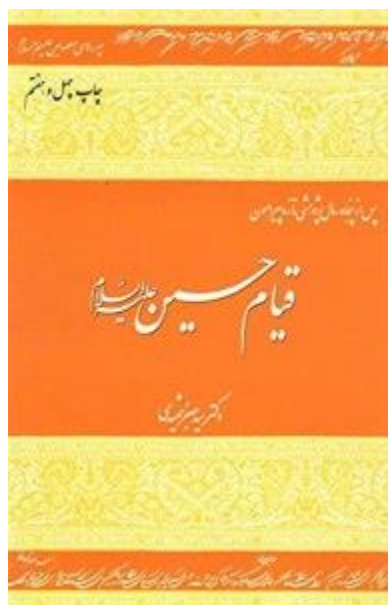


گفتنی است که شیخ محمد الحسون در مجموعه ای سه جلدی با عنوان «رسائل الشعائر الحسينية: رسالة التنزيه للسيد محسن الامين و الرسائل المويده و المعارضة لها» (۲۰۱۱) (رساله های شعائر حسینی: رساله تنزیه سید محسن امین و رساله های موید و معارض آن) رساله های موافق و موافق رساله تنزیه را گردآوری کرده است. در این مجموعه بیست رساله خواندنی درج شده است.

آنچه می‌توان از امین در دوران ما جاری دانست سه امر است: ۱. بدعت نقل احادیث و مقتلهای ضعیف و بی پایه بر منابر، ۲. عزاداری‌های مضر برای بدن، ۳. هر آنچه موجب وهن و بدجلوه دادن مذهب می‌شود.

نقل احادیث ضعیف با قاعده ای بنام «تسامح در ادله سنن» (اغماض از ضعف سند در ادله روایی مستحبات) عملاً توجیه شده است. ضرر برای بدن نیز به ضررهای شدید توجیه شده است. وهن مذهب هم به علت بی‌اطلاعی از دنیا و خود را حق مطلق دیدن و دیگران را باطل محض معرفی کردن به بوت‌ه فراموشی سپرده شده است!

بحث من در این جلسه منحصرآ پرداختن به این سه امر نیست. البته این سه امر شرط لازم عزاداری مشروع است اما شرط کافی نیست. بحث من فراتر از آن است.



دو. استحاله امر مستحب به فریضه عملی هویتی

عزاداری سالار شهیدان حتی پیراسته از کلیه محرمات و منکرات نهایتاً یک امر مستحب است، مستحب یعنی آنچه ترک آن مشکلی ندارد و گناه محسوب نمی‌شود. در حالی که عزاداری محرم یکی از نمادهای تشیع است، بلکه شاخص‌ترین نماد تشیع که مسلمان و غیرمسلمان در ده قرن اخیر به عنوان بارزترین نماد تشیع معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر عزاداری مستحب عاشورا تبدیل به یک فریضه هویتی شده است. فریضه

هویتی یعنی برای ابراز مذهب عملاً ضروری شده است. به اطراف خودمان نگاه کنیم افراد متعددی می‌یابیم که نه به انجام واجبات شرعی مقیدند نه از محرمات شرعی پرهیز می‌کنند، به اصطلاح به لحاظ مذهبی لاابالی هستند. از طرف دیگر مقید به رعایت موازین اخلاقی هم نیستند و سبک زندگانشان هم مومنانه نیست. اما در عزاداری حسینی بسیار فعال هستند. علم و کتل حمل می‌کنند. خدمت می‌کنند. اشک می‌ریزند، واقعا آن روز گناه نمی‌کنند. یک سال اهل دنیا، یک روز هم اهل آخرت. شیعه یعنی کسی که دو روز سال مناسک تشیع را به جا می‌آورد عاشورا و شب ۲۱ رمضان. بقیه سال هم چه می‌کند چندان مهم نیست!

این تلقی قابل انکار نیست. روایت هم برایش درست کرده اند. با یک قطره اشک در چنین مجلسی همه گناهان بخشیده می‌شود. استحاله امر مستحب به واجب عملی یک «بدعت» است. ثانياً اگر انجام این امر مستحب باعث تضييع واجبات شود هیچ توجیهی برای انجام آن پذیرفته نیست. الإمام علي: يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأَصُولِ، وَالتَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ، وَتَقْدِيمِ الْأَرَاذِلِ، وَتَأْخِيرِ الْأَفْضَلِ. (۴) (به چهار امر در سقوط و زوال دولتها استدلال می‌شود: ضایع کردن امور اصلی، پرداختن به امور فرعی، مقدم کردن افراد فرومایه و به حاشیه راندن افراد فرزانه. امام علی در جای دیگر: من اشتغل بغير المهم ضيع الأهم (۵) (کسی که خود را به امور غیر مهم مشغول کرده امور اهم را ضایع کرده است).

نماز نخوانی، بدون عذر شرعی روزه نگیری، در صورت نصاب زکات ندهی، در صورت استطاعت حج نروی، یا در انجام این امور اهمال کنی، اهل صداقت و امانتداری و رعایت موازین اخلاقی نباشی، اماهی بنشین و عزاداری کنی و برای امام حسین اشک بریزی. این دینداری چقدر پذیرفته است!؟



سه. روایات و مقتل‌های ضعیف

حادثه کربلا و شهادت جانسوز امام حسین در کلیت آن یک «واقعیت تاریخی» است. هر چه وارد جزئیات شویم روایت و نقل صحیح و معتبر در آن کمتر می‌شود. اتفاقاً نقل مجالس عزاداری، روضه و مقتل خوانی ما همین جزئیات است که علی‌الغالب جای بحث و مناقشه دارد. به دو کتاب فارسی که وفادار به موازین و روش‌های تاریخی است اشاره می‌کنم، یکی «پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین (ع)» نوشته مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی (۱۳۸۶-۱۲۹۷) و دیگری «نہضت امام حسین (ع) و قیام کربلا» نوشته دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد. در کتاب دوم نکات انتقادی ارزنده‌ای درباره مقتل ابی‌مخنف قدیمی‌ترین روایت واقعه کربلا که اصل آن به دوران ما نرسیده و گزیده‌ای از آن در تاریخ طبری آمده است و میزان اعتبار آن ذکر شده است. اینگونه نیست که روایات ابی‌مخنف عاری از اشکال یا صحیح‌ه باشد. بگذریم. در این کتاب اسامی شهدای کربلا از منابع مختلف جمع‌آوری شده و عدد آنها به ۱۸۲ می‌رسد!

مقتل خوانی یا روضه خوانی البته فی نفسه نه تنها اشکالی ندارد، بلکه اگر متون معتبری در دست داشته باشیم مستحب هم هست. اما به تفصیلی که گذشت چنین مقتل‌های معتبر، صحیح و قابل اعتمادی در دست نیست. لذا معلوم نیست خواندن نقل‌هایی که در اعتبار آنها تردید است فضیلت یا استحبابی داشته باشد، البته غیر از مبنای پرمشکل تسامح در ادله سنن.



چهار. استحاله طریقت به موضوعیت عزاداری

عزاداری یا مجلس ذکر، یا نوحه خوانی، یا مقتل خوانی یا روضه خوانی قرار بوده طریقت داشته باشند به سوی اهداف و معارف حسینی. اما دیرزمانی است خودشان موضوعیت یافته اند. یعنی برگزاری و شرکت در این مراسم شده اند موضوع دینداری. فرم و قالب و صورت جای محتوا را گرفته است. این «مناسک ثانوی» بزرگتر از فرایض و مناسک اولیه اسلام شده است. این مجالس و اعمال کارکرد هویتی پیدا کرده است، تمایز اقلیت شیعه از اکثریت سنی.

دوره کردن تاریخ کربلا، مقتل یا روضه یا مداحی امام حسین یا تاریخ دوره پیامبر یا تاریخ ائمه نه از اصول اعتقادی است نه از فروع آنها. اینکه جزئیات تاریخی را حتی مسیر کاروان و احوال اسب امام حسین (ذوالجناح) یا احوال بازماندگان کربلا را دنبال کنیم البته برای تهییج احساسات و عواطف بسیار موثر است، اما اینها معرفت نیست، معرفت شناخت مرام حسین است، شناخت محکمت قرآن، مسلمات سنت پیامبر و سیره امام علی است. وقت بسیار زیادی سالیانه در این مجالس در گفتن و شنیدن اموری صرف شده و می شود که دینداری نیست، واجبات دینی هم نیست، اموری است که اعتبار آنها هم مسلم نیست. به شکل دقیق تر ما چندین قرن است به جای بحث از تعالیم اصلی اسلامی یا شیعی به «تاریخ قدسی» کربلا سرگرم شده ایم، چرا که به جزئیات «تاریخ واقعی» کربلا دسترسی نداریم. این تاریخ قدسی شکلی اسطوره ای و توتمی دارد.

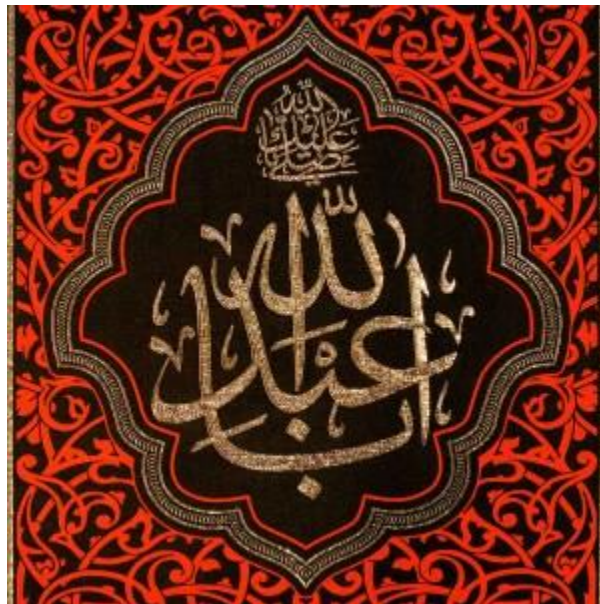


پنج. دستگاه امام حسین!

مشکل از آنجا آغاز شد که توهم کردیم «دستگاه امام حسین» دستگاهی جدا از دستگاه خدا و پیغمبر و دیگر ائمه است. برای اثبات این جدایی و تمایز به جای مسجد حسینه و تکیه ساختیم. برای پیامبر یک روز عزامی

گیرم. اما برای امام حسین تاسوعا و عاشورا و اربعین و تازه دهه اول محرم و دهه آخر صفر، محرم و صفر را ماه عزا اعلام می‌کنیم. در مذهب ما امام حسین شخصیت اول است عملاً بالاتر از پدرش علی و مادرش فاطمه و جدش پیامبر! برای کدام امام اربعین می‌گیریم و سه روز تعطیل عزاداری کرده ایم؟ برای چه کسی غیر از امام حسین دسته عزاداری در خیابانها و معابر راه انداخته ایم؟ برای هیچکس. این تورم مصنوعی یکی از جلوه‌های دینداری ناموزون است. یقیناً امام حسین بزرگ است، اما هر چیز به جای خودش نیکوست. بزرگتر از حسین پدرش علی و بزرگتر از علی پیامبر است. در دینداری ما باید این مراتب رعایت شود. در دینداری ناموزون متأسفانه عملاً این مراتب رعایت نشده است.

امام حسین هیچ چیزی جدا از موازین قرآنی و نبوی و علوی ندارد. هر که می‌پندارد امام حسین دستگاہ علیحده ای دارد اسلام و تشیع را نفهمیده است. اینطور نیست که در دهه محرم یا ایام عزاداری هرکاری زیر نام امام حسین مباح و مجاز باشد. هرکاری بنام امام حسین انجام می‌دهید اگر با محکمات قرآن، مسلمات سنت نبوی و علوی، موازین مسلم اخلاقی و شرعی و عقلی منافات دارد مجاز نیست و نباید انجام داد.



شش. افراط در ماتم

ما در عزا و ماتم هم غلو و مبالغه کرده ایم. به مراسم اعیاد در کتب دعا مراجعه کنید: در اعیاد فطر، قربان، غدیر، جمعه، نوروز و میلاد پیامبر و ائمه همگی مستحب است زیارت امام حسین خوانده شود. تا شیعه هرگز فراموش نکند حتی در اعیاد هم عزادار حسین است. هر سال چند ماه عزاداری کردن غم و حزن و اندوه را به حالت رسمی تشیع تبدیل کرده است. دینداری با حزن و ماتم و اندوه گره زده شده است. می دانید این غلبه غم و حزن و اشک و ماتم چه بر سر نفس و روان ما و فرزندانمان می آورد؟!

بزرگداشت یاد امام حسین و شهدای سرفراز کربلا منحصر به عزاداری و مقتل خوانی و روضه خوانی و مداحی نیست. می توان فضیلت آزادگی، عزت، اخلاقی زیستن، خط قرمز داشتن، ایثار، فداکاری را به شیوه های دیگری بزرگ داشت. می توان از پیشرفته ترین روشهای تعلیم و تربیت با استفاده از ظرفیتهای سنتی فرهنگ بومی روشهای بهتری برای چنین بزرگداشتی پیدا کرد.

مداحان، روضه خوانان، مقتل خوانان، ذاکران و مانند آنها بهترین نمایندگان راه و یاد امام حسین نیستند. باید تشیع و امام حسین را از دست آنها نجات داد. در مجالسی شرکت کنیم که با نقلهای ضعیف و بی پایه با احساسات و عواطف ما بازی نکنند. امام حسین جزء نوادر روزگار بوده و پیروی از ایشان افتخار است. به شرطی که بین اسوه و پیرو سنخیتی وجود داشته باشد.



هفت. پاسخ به پرسشهای بحث

اکنون زمان پاسخ به پرسشهایی رسیده که در اطلاعیه این مجلس طرح کرده بودم.

۱. آیا دینداری ما موزون یا متوازن است؟

نه. ما اصول و مسلمات و مناسک اصلی را رها کرده مشغول به مستحبات و خرافات و ظنیات شده ایم.

امام علی در چند جای نهج البلاغه از چنین پدیده‌هایی اظهار نگرانی شدید کرده است: **أَيُّهَا النَّاسُ سَيِّئَاتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ - يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ (۶)** ای مردم، زود است که زمانی بر شما بیاید که اسلام در آن سرازیر شود مانند برگشتن ظرف که آنچه در آنست بریزید (از اسلام جز اسم و از قرآن جز درس و از ایمان جز رسم باقی نماند).

وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْقُرُوِّ مَقْلُوبًا. (۷) و اسلام مانند پوستین وارونه پوشیده شود (مردم متلبس بلباس

اسلام هستند، و لیکن گفتار و کردارشان بر خلاف دستور اسلام می‌باشد)

وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَعْرَابًا - وَيَعَدُّ الْمُؤَالِفَةَ أَحْرَابًا - مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِأَسْمِهِ - وَلَا تَعْرِفُونَ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا رَسْمَهُ... كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تُكْفِفُوا الْإِسْلَامَ عَلَى وَجْهِهِ (۸) (با اسلام علاقه و ارتباطی ندارید مگر بنام آن، و از ایمان نمی‌شناسید مگر نشان آنرا (فقط به زبان شهادتین می‌گوئید، ولی از احکام اسلام چیزی فرا نگرفته و به حقیقت ایمان پی نبرده‌اید)!! ... مانند آنست که شما می‌خواهید اسلام را از صورتیکه هست وارونه نمائید).

۲. شاخصهای دینداری موزون چیست؟

عدم تعارض با محکّمات قرآن کریم، سنت معتبر نبوی، سیره معتبر علوی و دیگر ائمه، موازین عقل قطعی و عدم مبالغه در اجزای دین. خداوند فرموده است: کل شیء عنده بمقدار (رعد ۸) (هر چیز نزد او مقدار معینی دارد). گفته شده که کل شیء جاوز حده انقلب ضده. (هر چیزی که از حد خود خارج شود به ضدش منقلب می‌شود). ممکن است جزئی فی حد نفسه مشکلی نداشته باشد اما آن را بزرگتر از حد خود کردن مصداق دینداری ناموزون است. عزاداری ما از حد و اندازه گذشته است.

۳. آیا بزرگ شدن وحشتناک برخی اجزای مستحب و گاه خرافی، و کوچک شدن تاسف‌بار برخی اجزای

ضروری دین و مذهب نشانه بیماری مزمن نیست؟

یقیناً چرا. در آن سبک دینداری که مستحبی از واجبات و فرایض دینی و اخلاقی و عقلی بزرگتر و با اهمیت تر شده نشان بیماری و نادرستی چنین دینداری است. در آن دینداری که بزرگداشت عاشورا که امری نهایتاً مستحب است به مراتب از بزرگداشت اعیاد فطر، قربان و مبعث بزرگتر است باید فکری کرد. در آن

دینداری که مناسک اصلی اهمال می‌شود اما با دو روز برای امام حسین اشک ریختن دنبال دستیابی به بهشت هستیم این دینداری بیمار است، خیلی هم بیمار است.

۴. آیا عزاداری، مقتل خوانی، روضه خوانی، مداحی، سینه زدن، زنجیرزدن، گریستن، گریاندن و خود را به

گریستن زدن از واجبات دینی است؟

خیر. این امور مطلقاً از واجبات نیست. برخی از آنها در صورتی که فاقد ضرربدنی و وهن مذهب باشند و دلیل معتبری داشته باشند شاید مستحب باشند. در غیر این صورت حتی مستحب هم نیستند، و در زمره امور حرام، مکروه یا نهایتاً مباح قرار می‌گیرند. عزاداری علنی به عنوان یکی از مناسک علنی و هویتی شیعیان از قرن چهارم و پنجم از زمان آل بویه آغاز شد. روضه خوانی از دوران صفوی از قرن دهم، تعزیه خوانی از دوران فتحعلیشاه قاجار از قرن دوازدهم شروع شده است. مهم همدلی و همراهی با مرام حسینی است.

۵. آیا چند ماه سال را با عزای اولیا سر کردن دینداری است؟

نه. آنچه ملاک دینداری است ایمان و عمل صالح است. اگر این دو در کار نباشد گریستن و گریاندن و خود را به گریه زدن مفید فایده ای نیست.

۶. بهترین راه اشاعه فضایل آزادگی، فداکاری و ایثار و تربیت دینی چیست؟

از خانواده‌ها اشاعه این فضائل را باید شروع کنیم. خودمان باید مزین به این فضائل شویم تا فرزندان و جامعه مان به این فضائل تمایل پیدا کنند. در مرام حسینی اخلاص و پاکبازی حرف اول را می‌زند. کسی به زبان ما نگاه نمی‌کند. اگر عمل مبلغان و مروجان حسینی رنگ و بوی مرامش را نداشته باشد راه به جایی نمی‌بریم. باید از جدیدترین روشهای علوم تربیتی و زبان هنری بهره بجوییم.

۷. مهمترین شاخص‌های تشیع و ضوابط عزاداری مشروع کدام است؟

مهمترین شاخصهای تشیع به قرار زیر است:

- عدالت خداوند
- قرآن: کلام الله مجید، مصون از تحریف، عیار محک حدیث
- پیامبر (ص): برترین انسان اسوه جاوید بشریت
- ائمه‌ی اهل بیت: مرجع معرفتی امت و باب علم نبی
- اختلافات تاریخی: انتقاد محترمانه و مؤدبانه از صحابه، خلفا و امهات المومنین
- توسل و شفاعت حاشیه‌ای محدود بر توکل نامحدود
- نجات اخروی در گرو ایمان و عمل صالح، نه متوقف بر عناوین ظاهری مذهبی
- اخلاق حسنه، بالاخص صداقت، امانتداری، احسان و ایثار، و محدودیت تقیه به شرائط اضطراری
- عقل: اولین مخلوق و برترین مفتاح معرفت، تشویق حکمت و گفتگو
- مفتوح بودن باب اجتهاد در معارف دینی
- آزادی و آزادگی، مدارا با مخالف غیرمسلح، دفاع از مظلومین و مبارزه با ظالمین
- عدم اکتفا به ظواهر شریعت و معرفی باطن دیانت: شریعت و طریقت و حقیقت (۹)

اما ضوابط عزاداری مشروع: عدم ارتکاب محرمات، اکتفا به نقلهای معتبر، و عدم تجاوز از اندازه و وزن عزاداری.

۸. آیا در ایام بلای کرونا عزاداری مشروع در مراسم جمعی غیرمجازی اصولاً ممکن است؟

پاسخ منفی است. می‌توان به شکل مجازی دینداری و عزاداری کرد. اگر برگزاری این مراسم باعث انتقال بیماری شود که احتمالش کم نیست، شرعاً، اخلاقاً و قانوناً برگزارکنندگان چنین مراسمی ضامن و معاقب هستند. اولیاء امر اعم از حکومتی و مذهبی که مانع برگزاری چنین مراسمی نمی‌شوند شایسته شماتت هستند.

حرف آخر

کلامم را با سخنی از امام حسین به پایان می‌برم:

«النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ لَعَقَ عَلَى السَّنْتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَادَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِّصُوا بِالبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ» مردم

بنده دنیايند و دين بر زبانشان می‌چرخد و تا وقتی زندگي‌هاشان بر محور دين بگردد در پی آنند، اما وقتی به وسیله «بلا» آزموده شوند، دینداران اندک می‌شوند.

امیدوارم ما در زمره رفوزگان ابتلا نباشیم. مباحث این جلسه نیاز به گسترش و تفصیل دارد. امیدوارم در

مجال دیگر توفیق تشریح این مختصر را پیدا کنم.

یادداشت‌ها:

۱. زیارت اربعین، تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶ ص ۱۱۳ ح ۲۰۱؛ مصباح المتهدجد، شیخ طوسی، ص ۷۸۸.

۲. [امام حسین از منظری دیگر: قاعده یا استثنا؟](#) (تاسوعای ۱۴۴۱، شهریور ۱۳۹۸)

۳. ترجمه آل احمد ترجمه آزاد است. عزاداری‌های نامشروع حداقل دوبار بعداً تجدید چاپ شده است: یکی با مقدمه و کوشش سیدقاسم یاحسینی، بوشهر، ۱۳۷۱؛ و دیگری با عنوان دو رساله و دو نامه از جلال آل احمد: عزاداری‌های نامشروع و اسرائیل عامل امپریالیسم، به کوشش و مقدمه سید هادی خسروشاهی. ترجمه جدید: سرآغاز اصلاح عزاداری: ترجمه کتاب‌التزیه لاعمال الشبیه، ترجمه و تحقیق مهدی مسائی؛ اصفهان، آرم، ۱۳۹۶.

۴. غرر الحکم ودرر الکلم، آمدی، ح ۱۰۹۶۵، عیون الحکم والمواعظ ص ۵۵۰ ح ۱۰۱۵۷ زول بجای ادبار.

۵. غرر الحکم، ح ۸۶۰۷.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳، تصحیح صبحی صالح، ص ۱۵۰.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷، ص ۱۵۸.

۸. نهج البلاغه، خطره ۱۹۲ قاصعه، ص ۲۰۹. در هر سه مورد ترجمه مرحوم فیض الاسلام را نقل کرده‌ام.

۹. [بازخوانی هویت اسلام شیعی](#) (مرداد ۱۳۹۱)

سخنرانی مجازی شب عاشورای ۱۴۴۲، ۸ شهریور ۱۳۹۹، ۲۹ آگوست ۲۰۲۰



kadivar.com

[/https://kadivar.com/18136](https://kadivar.com/18136)

kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.